

بازمانده حادثه سقوط خونین از پل چمران اصفهان هوشیاری خود را به دست آورد. این حادثه ساعت ۱۱:۴۰ روز شنبه در پل چمران اصفهان اتفاق افتاد. وقتی امدادگران و پلیس در محل حاضر شدند معلوم شد که دو دختر ۱۵ و ۱۶ ساله در جریان سقوط خود خواسته به شدت دچار جراحات شده‌اند. بعد از انتقال دو مجروح حادثه به بیمارستان خیر رسید که دختر ۱۵ ساله به علت شدت جراحات فوت شده است. تلاش پزشکان اما برای نجات دختر ۱۶ ساله که از نقاط مختلف بدن به شدت دچار شکستگی شده بود به جریان افتاد.

کیانوش جهانپور، مدیر روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان روز گذشته خبر داد که دختر مصدوم از اعلام حیاتی پایدار و هوشیاری کامل برخوردار است. این دختر به علت شکستگی‌های اندام تحتانی پس از به هوش آمدن و مجوز متخصصان بیهوشی برای جراحی

زخمی شدن ۲ روحانی در جریان ۲ حادثه



تهران بنا اصابت ضربات چاقو زخمی و راهی بیمارستان شدند.
انگیزه دو حادثه شخصی اعلام شده است.

سردار حسین رحیمی، فرمانده انتظامی تهران بزرگ به خبرنگار ما گفت: اولین حادثه شامگاه دوشنبه در خیابان پیروزی تهران اتفاق افتاد. وقتی مأموران کلانتری ۱۱۰ شهدا با تماس همسایه‌ها به محل که ساختمانی مسکونی بود حاضر شدند، معلوم شد یکی از همسایه‌ها که روحانی جوانی بود با اصابت ضربات چاقو از سوی یکی از همسایه‌ها هدف قرار گرفته و به بیمارستان منتقل شده که وضعیت وی رضایتبخش است. مأموران پلیس در اولین گام ضارب را که تعادل روحی نداشت، بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند. به گفته رئیس پلیس تهران اختلاف شخصی، انگیزه این حادثه اعلام شده است. رئیس پلیس تهران در توضیح دومین حادثه به خبرنگار ما گفت: عصر دیروز بود که مأموران پلیس مترو امام خمینی از درگیری بین دو نفر از مسافران در راه پله با خبر شدند و در محل رساندند. در اولین بررسی‌ها معلوم شد که مردی روحانی با اصابت ضربات چاقو از سوی مردی چاقو به دست از پشت سر هدف قرار گرفته و به شدت مجروح شده است.

مأموران پلیس همزمان با اطلاع حادثه به امدادگران اورژانس، ضارب چاقو به دست را که در حال فرار بود تعقیب و او را بازداشت کردند. سردار رحیمی گفت: با حضور امدادگران، روحانی مجروح به بیمارستان منتقل شد که وضعیت او وخیم اعلام شده است.

سردار رحیمی گفت: متهم بازداشت شده به کلانتری ۱۱۲ بازار منتقل شد. بررسی سوابق متهم حکایت از این داشت که هشت‌سابقه در کارنامه‌اش ثبت شده است.

اقدام به خودکشی برای فرار از مزاحمت شوهر سابق

زن جوان که از مزاحمت‌های شوهر سابقش به ستوه آمده بود، اقدام به خودکشی کرد.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۰:۳۰ روز صبح گذشته عکسی از خودکشی نافرجام زنی جوان از روی پل عبای پیاده در بزرگراه شهید محلاتی به سرعت در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد. این زن خود را از روی پل به پایین رها کرده بود، اما رهگذری که در حال عبور از روی پل بود موفق شده بود وی را نجات دهد. همزمان باوقوع حادثه مأموران کلانتری ۱۱۰ شهدا که با تماس رهگذران از ماجرا با خبر شده بودند در محل حاضر شدند. زن جوان که ۳۲ ساله است به کلانتری منتقل شد و درباره انگیزه‌اش به پلیس گفت: من پنج‌سال قبل به علت اختلافی که با شوهرم داشتم از او طلالی گرفتم. مدتی که با ماجرا گذشت شوهر سابقم شروع به ایجاد مزاحمت کرد. این‌موضوع همچنان ادامه داشت. من بارها به خاطر رفتاری که داشت و او هشدار دادم و خواستم دست از رفتارش بردارد، اما توجه نکرد به خاطر همین برای ترساندن او تصمیم به خودکشی گرفتم. بعداز ثبت حرف‌های زن جوان، خانواده‌اش با تماس پلیس در کلانتری حاضر شده و زن جوان به خانواده‌اش تحویل داده شد.

جوان ورزشکار به چند بیمار زندگی بخشید



به گزارش یسدن جوان، جوان ۳۲ ساله که محمدرضا نام داشت چند روز قبل مقابل دانشگاه امام حسین در جریان حادثه ارتدنگی مصدوم و به بیمارستان منتقل شد. بعد از آن تلاش پزشکان برای نجات محمدرضا به جریان افتاد. تلاش‌ها اما سرانجامی نداشت و مرد جوان به مرگ مغزی مبتلا شد. پس از آن با رضایت خانواده‌اش اعضای بدن او در بیمارستان مسیح دانشوری به بیماران نیازمند اهدا شد. محمدرضا کارمند دانشگاه امام حسین بود که در ورزش رزمی فعالیت می کرد. از او دختری سه‌ساله به نام حسنا به یادگار مانده است.

آگهی دادگستری
نظر به درخواست مسعود قناعت با وکالت خانم سکینه قناعت به خواسته مطالبه وجه و جمع خسارات وارده و هزینه دادرسی و حق الوکاله تحت پرونده کلاسه ۱۶۴-۹۶ به طرفیت حسین گرمای در این شورا برای روز شنبه ساعت ۵/۱۵بعداظهر مورخه ۹۶/۹/۴ وقت رسیدگی است با توجه به اینکه خواندگان مجهول‌المنکان می‌باشند درخواست وکیل خواهان آگهی مذکور در یک نوبت در یکی از جراید کثیر الانتشار درج گردد در غیر اینصورت شورا غیاباً رسیدگی و حکم صادر می‌گردد. / م. الف: ۱۴۱۶
یوسف سلامی- رئیس شورای حل اختلاف چغادک

دوم به اتاق عمل منتقل شد. او در روزهای آینده برای جراحی سوم و ترمیم شکستگی‌های ناحیه ستون فقرات باید دوباره تحت عمل جراحی قرار گیرد.
تحقیقات برای علت نهایی حادثه
سردار مهدی مصوم‌بیگی، فرمانده انتظامی استان اصفهان در اولین واکنش به این خبر علت آن را چالش بازی آنلاین نهنگ‌آبی اعلام کرد. وی گفت: دو دختر پیش از اقدام به خودکشی پیام صوتی را برای خانواده‌هایشان ارسال کرده بودند.

در حالی که انتشار خبر باعث بروز موجی نگرانی میان خانواده‌ها شده بود حسن رحیمی، دادستان اصفهان با رد اظهارات رئیس پلیس استان اصفهان اعلام کرد که ارتباط نهنگ‌آبی با خودکشی‌ها اثبات نشده است.
بررسی‌ها همچنان در جریان است
حسن رحیمی از تشکیل پرونده و رسیدگی به وضعیت دو لایل خودکشی‌ای این دو دختر نوجوان خبر داد و

حجوات

سرویس حوادث ۸۸۴۹۸۴۳۵

دانش‌آموز مصدوم اصفهانی هوشیار شد

گفت: نسبت دادن خودکشی این دو دختر نوجوان به بازی نهنگ‌آبی تأیید نشده‌است و به‌طور قطع و یقین هنوز نمی‌توان علت این حادثه را اعلام کرد.
حدس و گمان‌های اولیه‌ای که درباره تأثیر بازی موسوم به نهنگ‌آبی روی خودکشی این دو جوان بوده، به اثبات نرسیده‌است. وی افزود: به نظر می‌رسد برخی مشکلات خانوادگی و فشارهای روحی موجب این حادثه شده است.

چالش نهنگ آبی رخ نداده اما خطر آن وجود دارد
محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات هم در واکنش به این خبر به بازی نهنگ‌آبی اشاره و تصریح کرد: این یک چالش است که با زیرساخت فضای مجازی ۵۰ قسمت را طراحی می‌کنند که افراد با دیدن فیلم‌های ترسناک و بعد باز ارائه اطلاعات شخصی با این تیم همراهی می‌کنند و در نهایت در پایان طرح باید به

نهنگ آبی، بازی آنلاینی که در آن بازیکنان با هم رقابت می‌کنند.

مرد سالخورده که ۱۵ سال قبل همسرش را در تهران به قتل رسانده و زندگی مخفیانه‌ای را در شمال کشور شروع کرده بود دچار عذاب وجدان شد و خودش را به پلیس معرفی کرد. به گزارش خبرنگار ما، عصر روز دوشنبه اول آبان‌ماه مرد سالخورده‌ای به کلانتری تهرانپارس رفت و گفت ۱۵ سال قبل همسرش را به قتل رسانده و از تهران گریخته است.

وی در توضیح ماجرا گفت: سال‌های دوری همراه همسر و سه‌پسر در حکیمیه حوالی شرق تهران زندگی می‌کردیم. زندگی خوبی داشتیم تا اینکه روزی با همسر درگیر شدم و او از روی پله‌های خانه‌ام به داخل حیاط پرتاب شد و فوت کرد. پس از این ترسیدم و به یکی از شهرهای شمالی گریختم و زندگی مخفیانه‌ای شروع کردم تا اینکه پس از ۱۵ سال تصمیم گرفتم خودم را به پلیس معرفی کنم و به قتل همسرم اعتراف کنم.

با طرح این‌اعا متهم به دستور قاضی مدیر روستا، باز پرس ویژه قتل داسرای امور جنایی تهران برای تحقیقات بیشتر در اختیار تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

مأموران در نخستین گام برای مشخص شدن صحت ادعای مرد سالخورده دست به تحقیق زدند و دریافتند همسر متهم ۱۵ سال قبل در حادثه‌ای فوت کرده است و پس از آن شوهرش

گفت‌وگو با متهم:

خودت را معرفی کن؟

سلمان هسنت ۶۳ساله.

درباره روز حادثه توضیح بده؟

از آن زمان چیزی زیادی به یاد ندارم، اما تا جایی که یادم است خانه قدیمی در حوالی شرق تهران داشتم. روز حادثه روی پله‌ها ایستادم بود که با هم به خاطر موضوعی مشاجره کردم. لحناتی بعد مشاجره لفظی ما بالا گرفت که او را ناخودآگاه به پایین هل دادم و همسرم روی پله‌ها غلت خورد و به داخل حیاط سقوط کرد. همسرم خونین روی زمین افتاد که متوجه شدم نفس نمی‌کشد.

چرا او را به بیمارستان نبردی؟

واقعیتم ترسیدم. او روی ۹ پله غلت خورد و داخل حیاط افتاد که احساس کردم فوت کرده است.

بعد از فرار به کجارتفتی ؟

پس از فرار به شهرستان امل در شمال رفتم و زندگی مخفیانه‌ام را آغاز کردم.

در شمال به چه کاری مشغول بودی؟

— 37 —

دانش‌آموز مصدوم اصفهانی هوشیار شد

مرگ تن دهند، از مرحله ۲۰ فرد دیگر امکان انصراف نداشته زیرا با ارائه اطلاعات شخصی مورد سوءاستفاده قرار خواهند گرفت.
وی گفت: این بازی در ایران ابتدا توسط مادری اطلاع‌رسانی شد که چند روز بعد در رسانه‌ها منتشر شد که توأم با ترس بود، البته ترسیدن از فضای مجازی اشتباه است بلکه استفاده درست از این فضا باید در نظر گرفته شود. جهرمی ادامه داد: امروز اخبار تکمیلی پرونده اصفهان را دریافت کردم که نشان داد خودکشی‌ها هیچ ربطی به این بازی نداشته است بلکه

آنها به دلیل مسائل خانوادگی دست به خودکشی محمدجواد آذری جهرمی، وزیر مارخ نداده و حتی موجب خودکشی در ایران نشده است، اما این خطر مجازی ۵۰ قسمت را طراحی می‌کنند که افراد با دیدن فیلم‌های ترسناک و بعد باز ارائه اطلاعات شخصی با این تیم همراهی می‌کنند و در نهایت در پایان طرح باید به این عرصه بالا بپرند.

نهنگ آبی، بازی آنلاینی که در آن بازیکنان با هم رقابت می‌کنند.

مرد سالخورده که ۱۵ سال قبل همسرش را در تهران به قتل رسانده و زندگی مخفیانه‌ای را در شمال کشور شروع کرده بود دچار عذاب وجدان شد و خودش را به پلیس معرفی کرد. به گزارش خبرنگار ما، عصر روز دوشنبه اول آبان‌ماه مرد سالخورده‌ای به کلانتری تهرانپارس رفت و گفت ۱۵ سال قبل همسرش را به قتل رسانده و از تهران گریخته است.

وی در توضیح ماجرا گفت: سال‌های دوری همراه همسر و سه‌پسر در حکیمیه حوالی شرق تهران زندگی می‌کردیم. زندگی خوبی داشتیم تا اینکه روزی با همسر درگیر شدم و او از روی پله‌های خانه‌ام به داخل حیاط پرتاب شد و فوت کرد. پس از این ترسیدم و به یکی از شهرهای شمالی گریختم و زندگی مخفیانه‌ای شروع کردم تا اینکه پس از ۱۵ سال تصمیم گرفتم خودم را به پلیس معرفی کنم و به قتل همسرم اعتراف کنم.

با طرح این‌اعا متهم به دستور قاضی مدیر روستا، باز پرس ویژه قتل داسرای امور جنایی تهران برای تحقیقات بیشتر در اختیار تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

همچنین باز پرس به پزشکی قانونی دستور داد تا علت اصلی فوت همسر متهم را از بایگانی خارج و اعلام کنند. پسر بزرگ متهم که در دادسرا حضور داشت به باز پرس پرونده گفت: سال ۸۱بود که این اتفاق افتاد. روز حادثه پدر و مادرم تنها خانه خودم که به خاطر موضوع جزئی با هم مشاجره می‌کنند که در جریان آن مادرم از روی پله‌ها به داخل حیاط سقوط و فوت می‌کند. پس از این حادثه پدرم فرار کرد تا اینکه مدتی بعد ما در دادگاه پدرمان را بخشیدیم و رضایت دادیم. الان هم دوباره رضایت خودمان را اعلام می‌کنیم و درخواست داریم به خاطر کپولت سن پدرمان را به زندان نفرستید و ما حاضریم برای او وثیقه بگذاریم.

کارگزی می‌کردم.

چه زمانی متوجه شدی همسرت فوت کرده است؟

مدتی بعد یکی از آشنایان نزدیکم را به صورت اتفاقی دیدم و او به من گفت که همسرم به خاطر همان حادثه فوت کرده است.

چند فرزند داشتی؟

من سه پسر داشتم. زمان حادثه حدوداً ۱۲، ۲۰ و ۷ ساله بودم. پس از حادثه با فرزندانت ارتباط نداشتی؟

من از همان آشنا، تلفن پسر بزرگم را گرفتم و چند سال قبل با او تماس گرفتم و پس از آن هم هر چند ماه یکبار با او در تماس بودم و آخرین بار هم چهار ماه قبل با او تماس داشتم.

پسرت از شما خواست خودت را معرفی کنی؟

پسرم همان چند سال قبل که برای اولین بار تلفنی با او حرف زد، به من گفت که رضایت داده‌اند و از من خواستست به تهران بروم، اما من می‌ترسیدم.

چه شد که خودت را معرفی کردی؟

در این مدت همیشه عذاب وجدان داشتم و همیشه کابوس می‌دیدم. روزها کارگری می‌کردم و شب‌ها هم از کابوس

قصاص و دیه، مجازات قتل ۲ سارق

کردولی متهم با سرعت به سمت من حرکت کرد و قصد زیر گرفتن را داشت که ناچار به او شلیک کردم که باعث مرگ او شد. وقتی پرونده به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد، مأمور پلیس به هیئت قضایی گفت: عمدی شلیک نکردم من و همکارم قوانین به کارگیری سلاح را رعایت کردیم، اما ناخواسته این اتفاق افتاد. در پایان هیئت قضایی پس از شور افسر پلیس را از اتهام قتل عمدی تبرئه و وی را به جرم قتل شبه عمد به پرداخت دیه محکوم کرد.

قصاص مأمور پلیس

دومین پرونده مربوط به مأمور بایگه چهارم پلیس آگاهی تهران و مری تیراندازی است. او بیست و چهارم خردادماه سال ۹۴، با کشته شدن پسر ۲۱ ساله‌ای به نام میلاد در جریان عملیات تعقیب و گریز بر اثر شلیک سه گلوله در خیابان ابوذر تهران بازداشت شد. وی در شرح ماجرا افزود: روز حادثه با دو نفر از همکارم نامرتب داشتم. سه متهم را به اتهام سرقت دستگیر کنیم. بعداز دستگیری دو متهم، به نشانی خانه میلاد رفتم. همکارم در ماشین بودند و من زنگ خانه آنها را زدم. پدر متهم جلوی در آمد که متوجه شدم میلاد از دیوار همسایه

قتل به خاطر هیچ

دو پسر جوان دیگر به نام‌های کاظم و سرویس نیز بازداشت شدند و بعداز قبول اتهام‌شان، امید به اتهام قتل عمد و کاظم و سرویس به اتهام شرکت در نزاع دسته جمعی روانه زندان شدند.

با کامل شدن تحقیقات، پرونده پس از صدور کیفرخواست به شعبه دهم داد‌گاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و صبح دیروز مقابل هیئت قضایی به ریاست قاضی قرائن زاده قرار گرفت. ابتدای جلسه اولیای دم در خواست قصاص کردند. سپس متهم و همه این ماجرا از سر غرور بی جان‌اتفاق افتاد. ماجرا گفت: «روز حادثه همراه دوستانم با موتور در حال پرسه زنی بودیم که مقتول را دیدیم. برای لحظاتی با هم چشم در چشم شدیم و او با تندی دلیل باهم درگیر شدیم و در آن درگیری خواستم که او را ترسانم که مرگ تکب قتل شدم.» با این توضیحات

— 37 —

— 37 —

متهمان قتل را گردن هم انداختند



به گزارش خبرنگار ما، بیست و سوم مردادماه سال ۹۴، مأموران کلانتری ۱۱۱ هفت‌چنار از مرگ مشکوک مرد ۵۳ساله‌ای به نام جعفر باخیر و راهی محل شدند. شواهد نشان می‌داد مرد میانسال در جریان درگیری با دو نفر از هم محلی هایش بر اثر خونریزی مغزی کشته شده است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی هر دو متهم به نام‌های مهرا ن ۲۹ ساله و فرزاد ۳۱ساله بازداشت شدند. در مراحل بازجویی مهرا ن در شرح ماجرا گفت: «شب حادثه همراه همسر و فرزندم از مراسم جشن عروسی برمی‌گشتم که دیدم مقتول و فرزند با هم درگیر بودند. به قصد میانجیگری پیاده شدم و جلو رفتم. مقتول تا مرادیده به پشت سرم زد. صعبانی شدم و یک سیلی به صورت زدم. آنجا بود که ناگهان کنترل‌ش را از دست داد و من را به کمره مغزه برخورد کرد و در صورت روی زمین شدم. چون با لباس مهمانی بدم ادامه ندمم و سوار ماشین شدم و به خانه برگشتم. تا اینکه چند روز بعد فهمیدم جعفر فوت کرده‌است.»

پس از این توضیحات، دیگری متهم نیز با انکار جرمش گفت: «مهرا ن دروغ می‌گوید. شب حادثه من و مقتول در حال صحبت بودیم و درگیری نداشتیم که مهرا ن ما را دید. او از ماشین پیاده شد و جلو آمد. مقتول و مهرا ن از قبل کینه داشتند که همین دلیل با هم درگیر شدند. آنها با دست به سر و صورت می‌زدند که ناگهان مهرا ن به صورت مقتول سیلی زد. او به عقب پرتاب شد و سرش به قفل بزگی که روی کرکره مغازه نصب بود برخورد کرد و روی زمین افتاد. من در درگیری نقشی نداشتم و مهرا ن را به طرف ماشین بردم تا درگیری تمام شود.»

به این ترتیب با توجه به شواهد و قرائن موجود، هر دو متهم به اتهام مباشرت در قتل روانه زندان شدند و پرونده با صدور کیفرخواست به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در آن جلسه اولیای دم درخواست قصاص کردند و در ادامه هر دو متهم بعد از آخرین دفاع به قصاص محکوم شدند. حکم صادره به دیوان عالی کشور فرستاده شد، اما با نقض حکم پرونده به شعبه همعرض ارجاع داده شد.

به این ترتیب دو متهم صبح دیروز بار دیگر در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قضایی زالی محاکمه شدند. ابتدای جلسه مادر و دختر مقتول درخواست قصاص دادند. در ادامه مهرا ن در جایگاه قرار گرفت و با انکار جرمش ماجرا را شرح داد. او در آخرین دفاع گفت: «از اینکه به نیت میانجیگری پیاده شدم و جلو رفتم پشیمانم. بارها خواستم تا دوربین‌های آن محل را بررسی کنند، اما نمی‌دانم چرا جوابی نگرفتم. باور کنید در قتل نقشی نداشتم.»

سپس دومین متهم نیز با انکار جرمش حادثه را شرح داد و در آخرین دفاعش گفت: «مهرا ن دروغ می‌گوید و می‌خواهد از بار سنگینی که روی دوش او افتاده فرار کند.»

سپس فرزاد در جواب هیئت قضایی در خصوص خودزنی که انجام داده بود، گفت: «روزی مهرا ن به محل کارم آمد و گفت مقتول حالش خوب نیست. بهتر است خودزنی کنی تا با این کار بتوانیم رضایت آنها را بگیریم. من هم به خاطر اصرارهای او و فرزندش قبول کردم و مرگ تکب این اشتباه شدم.» در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

آیامی دانید؟

باشگاه حقوقی

■ سکوت در معاملات، علامت رضایت نیست. در میان عوام این مطلب انبظور فرض شده که سکوت علامت رضایت است، ولی در قانون آمدن دادست، سکوت مالک اگرچه با حضور در محلی که قرار داد تنظیم می‌شود، رضایت و اجازه محسوب نمی‌شود. ■ اگر ضامن کسی در بانک می‌شوید، باید بدانید که اگر وام گیرنده اقسااط خود را پرداخت نکند، بانک می‌تواند بدون مراجعه به او، طلب خود را از شما وصول کند و شما به‌عنوان ضامن نمی‌توانید از بانک بخواهید که اول باید به وام گیرنده مراجعه کند و سپس به ضامن.

■ بنابراین حتی اگر بانک از وام گیرنده اموالی را شناسایی کند، باز هم حق دارد بدون توجه به آن، طلب خود را از اموال ضامن وصول کند و ضامن حق اعتراض ندارد.

■ اگر کسی ملک خود را اجاره دهد، اما در مدت اجاره، ملک خود را به فرد دیگری بقر ووشد، قرار داد اجاره او با مستأجر به قوت خود باقی است و لازم نیست مستأجر با صاحبخانه جدید، قرار داد اجاره دیگری امضا کند. ضمناً مالک جدید نمی‌تواند تا پایان اجاره، از مستأجر تقاضای تخلیه کند. ■ چک حتماً باید به امضا صاحب حساب برسد. بنابراین چکی که فقط دارای اثر انگشت یا مهر باشد، از لحاظ قانونی چک محسوب نمی‌شود. پس باید از دریافت قلم‌هایی که به‌جای امضا، اثر انگشت یا مهر دارد، خودداری کنید.